



محیط زیست

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

محیط زیست ما غیر محیطی است که هزاران سال جسم و جان پیشینیان ما در آن پرورش یافته‌اند. در عین حالیکه ما بدون هیچگونه تشویش و تأثر بتدریج این تغییر و تحول را استقبال و تحمل کرده‌ایم تغییر محیط زیست یکی از حوادث بزرگ تاریخ بشریت است زیرا هر تغییر محیطی بدون شك با تغییرات اساسی و عمیقی بر روی موجودات زنده آن محیط همراه است.

در قرون اخیر جمعیت کثیری از کارگران در نواحی محدودی متراکم و بصورت دستجات بزرگ در حومه و شعاع شهرهای بزرگ بانجام کارهای ساده

و یکنواخت مشغولند. در متون شهرها مستخدمین ادارات دولتی، کارکنان بانکها و مؤسسات، کسبه و تجار، پزشکان و قضاة و جمع کثیری از طبقات دیگر کار و زندگی می کنند. بعضی علیه همه گونه تغییرات جوی مجهزند و وسایل آسایش ایشان از هر حیث تامین شده است و اغنیادر عمارات مجال خیابانهای بزرگ سکنی دارند و بعضاً بی خبر از دیگران در کاخهای باشکوه بسر می برند آنهایی هم که استطاعت کمتر دارند در ساختمانهایی زندگی می کنند که از حیث وسائل آسایش از آنچه برای لوئی چهاردهم یا فردریک بزرگ فراهم بود بیشتر و بهتر است.

با پیدایش کشتی، راه آهن، اتوموبیل، هواپیما، تلگراف، تلفن و بطور کلی سرعت ارتباطات و کثرت اجتماعات و سینما و تئاتر کلوپ ورزشگاه و غیره زندگی محدود و مختصر خانوادگی را به زندگی در مهد اجتماع وسیع کشانده و ماشین زحمت کار و زندگی را در خانه و کارخانه و در جنگل و مزرعه تخفیف داده است ولی تغییرات حاصله در محیط و شرایط زندگی بر روی ما اثرات و نتایجی گذاشته که با آنچه از این تحولات انتظار میرفت یعنی بهبود صحیح و دقیق در تمام مظاهر زندگی تفاوت فاحش دارد و سود و زیان آنها در یک معادله صدق نمی کند. یعنی اگر از یکطرف تعداد بیماران مبتلا به امراض قابل جلوگیری دائماً رو به کاهش بوده در مقابل این تقلیل، افزایش تعداد تلفات جاده ها قرار دارد که خیلی بیش از کاهش آن بیماران است بدون اینکه عوارض و بیماریهای ناشی از گاز اتوموبیل و زیان گاراژهای داخل شهرها بحساب آمده باشد.

اگر از یکطرف تعداد بیماران جسمی کاهش یافته در مقابل کثرت و سبقت بیماران روانی قرار گرفته که بحکایت آمارهای بیمارستانی عجیب و روز افزون است. با وجود اینکه پیوسته مخترعین، مهندسين، شیمیست ها و فیزیسین ها و سایر علما روز بروز پرده جهل را از چهره مسائل غامضه علمی برمیدارند و رموز انواع حرفه و صنعت را کشف می کنند رفاه حال بشر هنوز در عصر طفولیت است.

اگر يك روزی مثلا دویست سال قبل می گفتند روزگاری خواهد رسید که يك نساج با یکدستگاه نساجی روزانه معادل پوشاک دویست نفر خواهد بافت یا يك ماشین دیگر روزانه معادل کار هزار استاد جوراب خواهد داد مستمع خیال میکرد که دیگر تن لخت و پای برهنه پیدا نخواهد شد.

ولی حالا می بینیم که هر قدر تمدن جلو رفته و مصنوعات و مخترعات ترقی کرده از آن خواب خوش خبری نیست ولی تکلفات زندگی بیشتر، طمع زیادتیر و قبایح اعمال فراوانتر و خطر گسترده تر گردیده بطوریکه انسان از سختی روز آینده می ترسد و از عاقبت ناگوار علوم و فنون می هراسد.

سبقت زیاد و بی تناسب علوم مادی بر علوم زیستی یکی از حوادث ناگوار تاریخ بشریت شده و ما در محیطی که بکمک فکر و اکتشافات علمی ایجاد کرده ایم اخلاقاً و معنأ تحلیل می رویم.

وجود خود انسان منشاء خطرات بزرگی برای محیطی که خود در آن زیسته میکند گردیده و دنیا در وضعی قرار گرفته که انسان دارد بدست خود موجبات حیات و این بقاء موقت را تقلیل میدهد و از بین می برد.

بقول موریس مترلینگ همه چیز حکایت از این دارد که آدمی یعنی آخرین موجودی که قدم در این خاکدان دهر گذاشته اولین موجودی خواهد بود که این خاکدان را ترك خواهد کرد.

در سیصد سال اخیر عمل تخریبی از طریق تحصیل انرژی از سوخت سنگواره و فوسیل ها یعنی ذغال سنگ رسیده و نارس و گاز طبیعی و نفت ادامه داشته و انسان بدست خود به تسریع تخریب پرداخته است و ظاهراً بعد از اتمام این منابع، انرژی هسته ای جانشین سوخت های فعلی خواهد شد و انرژی هسته ای زندگی بشر را به آلودگی جهانی تهدید میکند. آلودگی آب دریا نیز مخوف تر از اسلحه اتمی است و بعقیده کارشناسان اگر بدین منوال آلودگی دریا پیش برود تا یک قرن دیگری سبب

فناى مطلق بشر خواهد شد. کتابخانه سندسه بیدارم

در قرن بیستم نفت بعنوان يك منبع جدید مولد انرژی نقش مؤثری بعهده گرفت موتور احتراق داخلی و صنایع شیمیائی مواد بیشمار جدیدی داخل هوا و محیط کرده و میکند که این کره خاکی بدان آشنائی نداشته و مجبور نبوده که خود را با آن منطبق سازد.

بحکایت تخمین اداره کسل مواد غذائی و داروئی امریکا بشر و محیط آن اکنون در معرض بیش از نیم میلیون مواد آلوده کننده آب و هوا قرار دارد و سالیانه نیز بیش از ۴۰۰-۵۰۰ ماده جدید اضافه میشود کما اینکه در سنوات اخیر انواع بی سابقه‌ای مانند داروهای حشره کش، آنتی بیوتیک‌ها و رادیو ایزوتوپ و مایعات و پودرهای زیان بخش ظرف شوئی و لباس شوئی بوجود آمده است.

در کتب درسی اتومسفر اینطور تعریف شده است که باید از هر گونه آلودگی عاری و بری باشد در حالی که میگویند در اتومسفر ما بیش از سه هزار مواد شیمیائی خارجی شناخته‌اند، هوای شهری آلوده بموادى مانند دود، خاکستر و ذرات معلق در هوا و خرده‌ریزه‌های لاستیک و سائط نقلیه و پنبه نسوز است که همگی از نظر بهداشت عمومی زیان دارند دودکش‌های کارخانجات و لوله‌های آگزوست اتوموبیل‌ها کاربن و اکسیدهای گوناگون بیرون میدهند که صحت آدمی را در معرض مخاطره قرار داده است.

گازولین اتیل که سوخت عمومی اتوموبیل‌ها را فراهم میکند مقدار زیادی سرب داخل هوا میکند و متأسفانه در ایران غیر از بعضی تراکتورها و ماشین‌های راهسازی لوله‌های آگزوست کامیون و اتوبوس طوری در طرف راست و پایین قرار داده شده که دود مستقیماً به حلقوم راننده و سرنشین وسیله کناری فرو میکند و مأمورین شهرداری صبح زود خا کروب و برگ‌ها را در کوچه و خیابان می‌سوزانند که مردم خوابند و نمی‌توانند دم‌دهان خود را بگیرند یا ازدود فرار کنند و دوری گزینند. حفاظت محیط زیست و مبارزه و جلوگیری از آلودگی آن از مسائل مهمی

است که نظر دانشمندان و اولیای جمهوری کشورهای راقیه را بخود جلب کرده در ایران هم سازمان محیط زیست با جلب و جذب افرادی که با تحصیلات عالی در رشته‌های مختلف مربوطه شناخته شده‌اند با قدم‌های استوار و متین در آستانه اقدام و عمل است ولی بدون شك و تردید هر قدر تلاش و مجاهده کنند در صورت سهل انگاری و بی‌اعتنائی واحدهای دیگر و بهداری و شهرداری و خود مردم به غایت مقصود نخواهد رسید. ما واجب‌تر و فوری‌تر از پاکیزه ساختن محیط زیست مسئله‌ای نداریم و برای این کار همکاری صدیق و شدید بین بیولوژیست‌ها، دانشمندان فیزیک و علمای اقتصاد و علم الاجتماع و طراحان سیاست و برنامه ریزان از یکطرف و آشنا ساختن مردم به آنچه باید و هرچه نباید کرد از طرف دیگر لازم است.

خوشبختانه دود و هوای آلوده شناسنامه‌ها را نمی‌خواند و در حدود اسناد، مالکیت این و آن متوقف نمیشود و رعایت مقام و منصب و امتیازات طبقاتی نمیکند و در فضای کاخ و کلبه به حلقوم پیر و جوان و خرد و کلان بدون اعتنا و توقف در مرزهای سیاسی و جغرافیائی یا تشریفاتی بی‌ملاحظه وارد میشود و در کلیه شرائط زمان و مکان کم و بیش شامل حال همگان است.

ما روی کاغذ، در کمیسیون، سمینار، سمپوزیوم و در انواع سخنرانی‌های رادیوئی و تلویزیونی با آلودگی هوا مبارزه می‌کنیم و اخیراً برای حفاظت محیط زیست پرونده می‌سازیم ولی در عین حالیکه صاحب و فروشنده بنزین هستیم مانند کوزه‌گری که از کوزه شکسته آب بخورد گاز و تیل دود می‌کنیم و چون وسائط نقلیه پر دود اکثراً دولتی یا متعلق به شرکت واحد و شهرداری و آرتش و شهر بانی هستند تصمیمات متخذه بصورت دهن کجی در می‌آید، حتی نمی‌توانیم آنها را مجبور کنیم که انژکتور دستگاه را تعمیر کنند و لوله‌های اگزوست را عمودی بطرف سقف ببرند و دود را با فشار به حلق رانندگان دیگر و مردم فرو نکنند.

کانادین ماگازین (مجله کانادا) نوشته است اگر از حالا در فکر جلوگیری از آلودگی هوا نباشیم تا ده سال دیگر نابود میشویم یکی از مشاورین سابق رئیس

جمهوری امریکا گفته است بشر فقط تا پنجاه درصد شانس زندگی تا سال ۱۹۸۰ را دارد و گاردین مجله مشهور انگلیسی فریاد میزند که در نتیجه صنعتی شدن هوا غیر قابل تنفس، آبها آلوده و نباتات مسموم شده‌اند ولی ما که ماشین آلات کمتری داریم کسری را با سوزاندن برگ و خاکروبه پرمی کنیم که در این مسابقه عقب نیفتیم. و اگر غیرت و همت عمومی و یاری و همکاری همگانی مدد نرساند و آتش بس سازمان محیط زیست هم مانند سازمان ملل فقط میل و علاقه بدون قوه و قدرت باشد همین طور که در میدان جنگ جوانان مثل برگ خزان به زمین می افتند محیط زیست هم به نابودی عده دیگری می پردازد.

آلودگی محیط زیست محدود و منحصر به آب و هوا نیست بلکه صدا نیز در محیط زیست اثر قابل توجهی دارد اعصاب و سلولهای بدن را آزار میدهد عمر را کوتاه می کند، امراض روانی را تحریک و تشدید میکند ولی ما در عین سخنرانی و اعلام تصمیم اخراج گاراژها از مرکز شهر و در ایامی که برای تبعید و تمرکز ایستگاه ترمینال اتوبوس های عمومی داد سخن میدهم در وسط شهر در خیابان سوم اسفند پهلوی بیمارستان بانک ملی جنب بیمارستان فرحناز پهلوی کنار وزارت جنگ همسایگی فروشگاه و باشگاه افسران پشت هنرستان دختران مجاور چند بانک و مؤسسات و داخلی و خارجی که نیازمند سکوت و تمرکز و محتاج آرامش و آسایشند به بنگاه مسافربری جواز میدهم و برای احتراز از سر و صدا و دود و آلودگی بقصد بهبود محیط زیست اینطور مبارزه می کنیم.

و با این تدبیر که ایستگاه ترمینال تمام خطوط را در جنوب شهر ببریم و در نظر گرفتن ضریب آمد و شد و سائط نقلیه مسافرین و کسانی که برای بدرقه و استقبال بایستگاه می روند بار جدید و زائیدی بر ترافیک شهری و افزایش آلودگی محیط می نهم و کاری را که در لندن و پاریس کردند و پشیمان شدند و ناچار به چهار طرف شهر تقسیم و منتقل کردند، ما هم آزمایش می کنیم.